

مهر ۱۳۸۶ که محمود احمدی‌نژاد در خبرسازترین سفرش نیویورک را منفجر کرد، نشانه‌های یک معاملهٔ کثیف میان آمریکایی‌ها و اصلاح‌طلبان برای سقوط «دولت نهم» به چشم می‌آمد. یک سال قبل سیدمحمد خاتمی با ویزای ویژه رئیس‌جمهور آمریکا برای ۲ هفته به شرق ایالات متحده رفت و عصر دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۸۵ پس از دیدار با جورج سوروس از رهبران «کودتای مخملی» و سیدحسین نصر از رهبران «سنت‌گرایی» راهی تپه‌های معروف «بیکون هیل» نیویورک شد تا در واپسین نقطه توقف خود شام آخر را در منزل زنی به نام دکتر الگا دیویدسن صرف کند. ماموران FBI در طول مسیر حضور داشتند و مسیره‌های ممنتهی به خیابان «ریورز ۸۲» شدیداً کنترل می‌شد. همه چیز نشان می‌داد که شخصیت‌های سرشناسی عازم «ضیافت بلوط سبز» هستند.

خانم دیویدسن یک شخصیت پیچیده و ناشناخته است. او از پژوهشگران انستیتوی مطالعاتی جوامع و تمدن اسلامی در دانشگاه بوستون و دارای پیوندهای نزدیکی با بنیاد اشرف پهلوی بود. از طریق احسان یارشاطر بهایی به هیات امنای دانشنامه ایرانیکا در دانشگاه کلمبیا راه یافت و در محافل آمریکایی از مدافعان اصلاح‌طلبان ایرانی شناخته می‌شد. دیویدسن هم‌زمان که درباره «شاهنامه فردوسی» و «کوروش» پژوهش‌های گسترده‌ای را انجام می‌داد، طرف مشورت وزرات امور خارجه آمریکا برای ارزیابی «برنامه سلاح‌های استراتژیک ایران» نیز قرار می‌گرفت. از سوی دیگر، روابطش با ایرانیان بسیار متنوع و پرشمار بود و با چهره‌هایی مثل داریوش مهرجویی و سیدحسین نصر که در کمیسیون‌های فرهنگی جشن هنر شیراز پروژه «باستان‌گرایی» را پیش می‌بردند، تماس داشت. در سینمای ایران از طریق بهمن فرمان‌آرا و بازیگران زن مثل فاطمه م.آ کانال‌های ارتباطی قوی‌ای ساخت و هم تعاملات موثری با کانون مدافعان حقوق بشر به ریاست

شیرین عبادی ایجاد کرد. او درباره راهبردهای «گذار به دموکراسی» در ایران مقالاتی را به همراه محمدجواد محلاتی (دوست نزدیک خاتمی) انتشار داد و حتی با دیپلمات‌های ایرانی به رایزنی پیرامون تحولات سیاسی ایران می‌پرداخت. دیویدسن به لطف مساعدت‌های صادق خرازی، مشاور ارشد خاتمی (و مشاور یکی از نامزدهای سرشناس ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲) توانسته بود روابط نزدیکی را با دفتر تازه تاسیس موسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در ژنو برقرار کند. خیلی از رازهای «دفتر ژنو» بعدها توسط محمدعلی ابطحی در «دادگاه کودتای مخملی» برملا گشت، ولی

*** این میهمان ویژه کسی جز پرفسور «ریچارد فرای» نبود که کمی بعد از «سیدمحمد خاتمی» وارد خانه «الگا دیویدسن» شد. تا این زمان، قدمت تماس‌های فرای با ایران از نیم قرن می‌گذشت و برخلاف تصور رایج، از سال ۱۳۸۴ رفت‌وآمد او به تهران به مانع جدی‌ای برنخورد. البته شاگردان او مانند «سیدحسین نصر» سال‌ها انتظار صدور «اجازه بازگشت» را می‌کشیدند.**



از راست: ریچارد فرای (بزرگ‌ترین جاسوس زنده خاورمیانه و تئوریسین مکتب ایرانی)، سیدمحمد خاتمی و الگا دیویدسن؛ ۲۰ شهریور ۱۳۸۵ در ضیافت شام بلوط سبز در بوستون آمریکا.

و ۷۰ میهمان برجسته در «ضیافت بلوط سبز» با رئیس‌جمهور اصلاحات سر یک میز نشستند، اما دیویدسن فقط یک «میهمان ویژه» داشت: پیرمردی ۸۶ ساله ولی سالم و سرحال که مثل خودش آمریکایی بود؛ یک زن و مرد با شباهت‌های شگفت‌انگیز بسیار. خاتمی نیز انتظار این ملاقات را می‌کشید، چون همان طور که انستیتو مطالعات خاورمیانه برای واشنگتن در گزارش خود تأیید کرده است، اساساً خاتمی صدور روادید سفرش به آمریکا را مدیون رایزنی‌های موثر چنین چهره‌هایی با کاخ سفید بود. این میهمان ویژه کسی جز پرفسور ریچارد فرای نبود که کمی بعد از سیدمحمد خاتمی وارد خانه الگا دیویدسن شد. تا این زمان، قدمت تماس‌های فرای با ایران از نیم قرن می‌گذشت و برخلاف تصور رایج، از سال ۱۳۸۴ رفت‌وآمد او به تهران به مانع جدی‌ای برنخورد. البته شاگردان او مانند سیدحسین نصر سال‌ها انتظار صدور «اجازه بازگشت» را می‌کشیدند و اعضاء حلقه کلمبیا مانند رامین جهانبگلو- که فرای اولین تئوریسین پیشکوت آن محسوب می‌شد- بهار ۱۳۸۵ در تهران تحت تعقیب وزارت اطلاعات قرار گرفتند، ولی دو هفته پیش از «ضیافت بلوط سبز» جهانبگلو آزاد شد و این نشانه خوبی برای کمتر شدن نگرانی‌های حلقه کلمبیا به نظر می‌رسید.

ریچارد فرای و سیدمحمد خاتمی شناخت خوبی از یکدیگر داشتند. تعامل این دو از هنگام به قدرت رسیدن اصلاح‌طلبان در دوم خرداد ۱۳۷۶ شتاب

نیمه‌پنهان
سیمای کارگزاران سیاست و فرهنگ
۲۵۱۵
نوشته پیام فضلی‌نژاد
E-Mail:Research@kayhannews.ir

شاه کلید انگلیسی فصل چهارم ۱۵

ایرج افشار یزدی جشن مفصلی را برای تجلیل از او ترتیب داد. از آن دیدار صادق خرازی رابط و هماهنگ‌کننده ملاقات‌های رئیس‌جمهور خاتمی با فرای بود و در آخرین سفر و شام آخر «ضیافت بلوط سبز» نیز، خرازی این‌بار با یک کروات مشکی کنار دست دیویدسن و فرای و خاتمی نشست.

رابطه ریچارد فرای با دولت نهم بد نبود و پس از ریاست‌جمهوری خاتمی رفت‌وآمدهایش به تهران و شیراز و اصفهان ادامه یافت. او خرداد ۱۳۸۴ در اوج رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری به ایران آمد و ۶ ماه پس از آغاز به کار «دولت نهم» در نوزدهمین جشنواره خوارزمی از فرای تجلیل گشت. در همین سفر دیدار مفصل دیگری با سیدمحمد خاتمی و غلامرضا آعوانی (رئیس پیشین انجمن حکمت و فلسفه) داشت، ولی علی‌رغم کپولت‌سنش آمادهٔ حضور فعال‌تر در پشت‌صحنه سیاسی ایران می‌شد؛ چه اینکه فرای مانند هوشنگ امیر احمدی عضو بلندپایهٔ «گروه تماس نیوجرسی» معروف به نام شورای آمریکا-ایران بود و به

رابط آمریکایی «سیدمحمد خاتمی» با «ریچارد فرای» کیست؟

ضیافتِ بلوط سبز

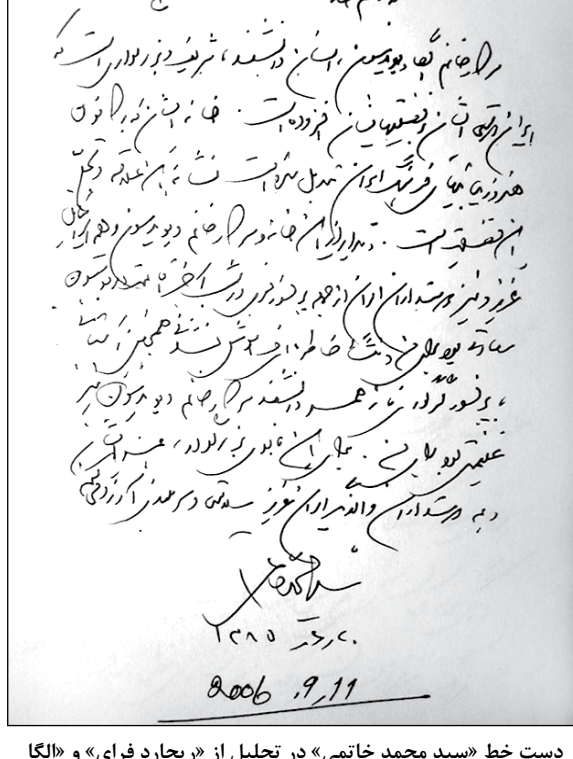


الگا دیویدسن، رابط آمریکایی «ریچارد فرای» با «سید محمد خاتمی»؛ ۲۰ شهریور ۱۳۸۵، بوستون. خاتمی در کنار خانم دیویدسن نشسته و در حال نوشتن یادبود در دفتر شخصی او است.

واسطهٔ اسفندیار رحیم مشایی کانال ارتباطی مطمئنی را نیز در دفتر رئیس‌جمهور جدید ایجاد کرد، گرچه در مقایسه با روابط گرم این «گروه تماس» با اصلاح‌طلبان، هنوز سطح تعامل‌شان با محمود احمدی‌نژاد چندان جدی به نظر نمی‌رسید.

دیدار ریچارد فرای و سیدمحمد خاتمی خبر از بازی دوجانبه «دار و دسته‌های نیویورکی» در ایرن می‌داد؛ خصوصاً که همان زمان در سال ۱۳۸۵ دوست و همکار نزدیک فرای یعنی هنری کسینجر به همراه فرانسیس فوکویاما پژوهش محرمانه‌ای را برای پنتاگون با هدف «تقویت و شناسایی شرکاء بالقوه» ایالات متحده در موسسه تحقیقات امنیتی رند (Rand) سرپرستی می‌کرد. جورج بوش نیز صریحاً به اصلاح‌طلبان پیام داد و گفت «در انتظار شنیدن صدایی تازه از درون ایران برای تغییر رژیم است.» به غیر از سران جمهوری‌خواهان، رهبران یهودی دموکرات‌ها مانند جورج سوروس نیز درباره «اهمیت اطلاعاتی» سفر خاتمی برای آمریکا می‌گفتند «این سفر به آگاهی از وضعیت یک دشمن منزوی می‌انجامد.»

بازبینی سیاست‌های کلان آمریکا برای مدیریت منازعات با ایران به تازگی آغاز شده بود و مرداد ۱۳۸۵ نیز اولین قطعنامه تحریم ایران در سازمان ملل به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی از تصویب اعضاء شورای امنیت گذشت. همه



دست خط «سید محمد خاتمی» در تجلیل از «ریچارد فرای» و «الگا دیویدسن». خاتمی در این یادداشت یادبود، دیدار با تئوریسین «مکتب ایرانی» در بوستون را «خاطره‌ای فراموش‌نشدنی» می‌نامد و دیویدسن را «انسانی دانشمند، شریف و بزرگووار که ایران‌دوستی ایشان بر فضیلت‌هایشان افزوده» خطاب می‌کند!

بیشتری گرفت و ایده‌هایش درباره «تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران باستان» یکی از پارادایم‌های غالب در حیطه «ایران‌شناسی» و تحقیقات علوم انسانی به شمار می‌رفت، چنان که سال ۱۳۸۲ رئیس‌جمهور خاتمی در پیامی به مناسبت بزرگداشت ریچارد فرای در دانشگاه کلمبیا بر این نفوذ صحنه گذاشت. خاتمی ۸ سال پیش در اولین سفرش به نیویورک برای سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل، فرای را در بوستون دید و سال پایانی ریاستش بر دولت اصلاحات با همکاری

چیز در آغاز راه بود. بحث بر سر چگونگی شروع یک بازی جدید همهٔ اتاق‌های فکر آمریکا را درگیر خود ساخت، ولی به نظر می‌رسید ایالات متحده باز هم می‌خواهد با «مهره‌های سوخته» بازی کند؛ مهره‌های سوخته ولی کارکشته‌ای مثل ریچارد فرای که یک سال قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از سوی کاخ سفید مأمور مذاکرات محرمانه آمریکا با محمدرضا پهلوی و نخست‌وزیرش دکتر محمد مصدق پیرامون «خطر کمونیسم» شد و حالا ۵۵ سال پس از نخستین مأموریتش در تهران، رئیس‌جمهور سابق ایران را سر میز شام خانه خانم دیویدسن در نیویورک ملاقات می‌کرد تا تحلیل خاتمی را در ساعات پایانی اقامتش در ایالات متحده پیرامون آینده رابطه ایران و غرب بشنود.

شبی که فرای و خاتمی با یکدیگر شام آخر را خوردند، حسین شریعتمداری سرمقاله «آقای خاتمی از کدام کیسه خرج می‌کند؟» را در روزنامه کیهان نوشت و به مواضع او در آمریکا مبنی بر تأیید «دولت اسرائیل» و «هولوکاست» که نفی آن‌ها دو شاخصه برجسته سیاست خارجی «دولت نهم» محسوب می‌گشت، شدیداً اعتراض کرد و دلایل موافقت آمریکایی‌ها با سفر خاتمی را شرح داد. آن زمان احمدی‌نژاد به شریعتمداری جایزه «منتقد منصف دولت» را داده بود، اما به سبب تأثیر مدیر مسئول کیهان بر گفتمان انقلابی «سوم تیر» و حمایت از رئیس‌جمهور در برابر حمله‌های شدید اصلاح‌طلبان، یکی از حامیان سیاست‌های اصولی دولت نهم شناخته می‌شد. شریعتمداری نخستین کسی بود که هم در برابر موج جنگ روانی اصلاح‌طلبان و هم در مقابل واکنش‌های تهدیدآمیز دولت‌های غربی علیه احمدی‌نژاد به سبب «نفی هولوکاست» ایستاد. او روز سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۳۸۴ اولین سرمقاله را در کیهان برای شرح «دله علمی رد هولوکاست» نوشت و آراء و سرنوشت منتقدان هولوکاست از جمله پروفیسور روبر فوریسون و پروفیسور روزه

*** دکتر «الگا دیویدسن» چیزی بیش از یک استاد دانشگاه بود. او هم‌زمان دو بعد «نظامی» و «فرهنگی» داشت که چهره آرامش را راز آلودتر می‌ساخت و عضویتش در «انجمن مطالعات یهودی» برای خاورمیانه بر این پیچیدگی‌ها می‌افزود؛ زنی که متخصص «فرهنگ ایران باستان» است و یک صاحب‌نظر در زمینه «سلاح‌های استراتژیک» نیز به شمار می‌رود!**

گارودی را شرح داد. بار دیگر شریعتمداری روز ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ در برابر انتقادات شدید مهدی کروبی از سیاست خارجی دولت نهم پاسخ‌های محکمی به او داد و این‌بار شامگاه ۲۰ شهریور ۱۳۸۵ وقتی سیدمحمد خاتمی دو هفته پرکار و فشرده را در «شرق آمریکا» از نیویورک و بوستون تا واشنگتن و شیکاگو پشت سر گذاشته بود، به مقایسه تطبیقی سخنان رئیس‌جمهور سابق در این سفر با آموزه‌های راهبردی امام خمینی(ره) پرداخت. مدیر مسئول کیهان از یک سو در سرمقاله‌اش صریحاً از تندروی‌های احساساتی امثال فاطمه رجیبی علیه رئیس‌جمهور سابق ایران انتقاد کرد و از سوی دیگر تأیید «موجودیت اسرائیل» و پدیدهٔ جعلی «هولوکاست» را یک «رانت‌خواری سیاسی» توسط خاتمی دانست: **اهمیت شما برای آمریکا به خاطر ریاست‌جمهوری هشت ساله جنابعالی در ایران اسلامی است و اگر غیر از این بود، به یقین بوش و دار و دسته اش برای «فریب» حضرت تعالی کمترین زحمتی به خود نمی‌دادند. چرا؟ پاسخ روشن است. جناب آقای خاتمی در این سفر، شخصیت حقوقی خود را به عنوان رئیس‌جمهور سابق ایران اسلامی که متعلق به مردم است، سخاوتمندانه خرج کرده‌اند که بدون کمترین تردیدی یک «رانت‌خواری سیاسی» است و مذموم و ناپسند.**

برای مطالعه ارجاعات و یانوشتها به نسخه چاپی کتاب «شاه کلید انگلیسی» که در آینده نزدیک توسط دفتر پژوهشهای مؤسسه کیهان منتشر خواهد شد ، مراجعه فرمایید .